تبیین تجربیات زنان شاغل سرپرست خانواده تحت پوشش کمیته امداد امام خمینی: نتایج یک مطالعه پدیدارشناسی

هما وجدانی[۱]، فرشته عراقیان مجرد[۲]، حسین محسنی پویا[۳]، فائزه آزادی[۴]، ساناز فاضلی[۵]، اکرم ثناگو[۶]، لیلا جویباری[۷]

۱. دانشجوی پرستاری، کمیته تحقیقات دانشجویی دانشگاه علوم پزشکی مازندران، بهشهر، ایران.
۲. فرشته عراقیان مجرد، استادیار پرستاری دانشگاه علوم پزشکی مازندران.
۳. استادیار دانشکده پرستاری بهشهر، دانشگاه علوم پزشکی مازندران، بهشهر، ایران.
۴. دانشجوی پرستاری، کمیته تحقیقات دانشجویی دانشگاه علوم پزشکی مازندران، بهشهر، ایران.
۵. دانشجوی پرستاری، کمیته تحقیقات دانشجویی دانشگاه علوم پزشکی مازندران، بهشهر، ایران.
۶. دکترای تخصصی آموزش پرستاری، دانشیار، دانشکده پرستاری و مامایی، دانشگاه علوم پزشکی گلستان، گرگان، ایران.
۷. دکترای تخصصی آموزش پرستاری، دانشیار، دانشکده پرستاری و مامایی، دانشگاه علوم پزشکی گلستان، گرگان، ایران.

توسعه پرستاری در سلامت/ دوره سیزدهم/ شماره ۳/ پاییز ۱۴۰۱

چکیده

زمینه و هدف: زنان سرپرست خانوار از جمله گروه‌های آسیب‌پذیر اجتماعی هستند، از آنجا که تعداد زنان سرپرست خانوار به دلیل افزایش نرخ طلاق، جرایم اجتماعی یا اعتیاد سرپرست خانوار روندی صعودی دارد. باتوجه به آسیب‌پذیر بودن این قشر هدف از این مطالعه تبیین تجارب زنان شاغل سرپرست خانواده تحت پوشش کمیته امداد امام خمینی است.

مواد و روش‌ها: مطالعه حاضر یک مطالعه کیفی پدیدارشناسی است که در سال ۱۳۹۸ انجام شد. برای جمع‌آوری داده‌ها از مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته سوالات باز پاسخ در خصوص تجربه زندگی به عنوان یک زن سرپرست خانواده استفاده گردید. مصاحبه‌ها در مرکز کمیته امداد امام خمینی شهرستان بهشهر انجام گرفت. نمونه‌گیری بصورت هدفمند و تا دستیابی به اشباع داده‌ها و با مشارکت ۱۰ شرکت‌کننده ادامه یافت. مصاحبه ضبط شده، خط به خط نوشته شد و مطابق رویکرد پدیده‌شناسی توصیفی کلایزی تحلیل شد. برای استحکام مطالعه از معیار گوبا و لینکلن استفاده شد.

یافته‌ها: از تحلیل داده‌ها دو مفهوم اصلی " تغییر روال عادی زندگی "، "مشکلات اداره زندگی"و چهار مفهوم فرعی شامل "تغییر نقش و احساس والد، پیشرفت در زندگی، تنهایی، نگرانی از آینده فرزندان" استخراج گردید.

نتیجه‌گیری: با توجه به نتایج مذکور و خصوصا دغدغه‌های ویژه زنان سرپرست خانوار نیاز است با برنامه‌های ارتقای توانمندسازی روانی-اجتماعی آنان در کاهش مشکلات عدیده این قشر از جامعه گام‌های اساسی برداشت.

واژگان کلیدی: زنان، خانواده، سرپرست خانوار، زنان شاغل، تحقیق کیفی

آدرس مکاتبه: دانشکده پرستاری و مامایی، دانشگاه علوم پزشکی گلستان

Email: jouybari@goums.ac.ir

[Downloaded from ndhj.lums.ac.ir on 2026-11-26]

مقدمه

زنان سرپرست خانوار از جمله اقشار فقیر جامعه ما هستند (۱). سازمان بین‌المللی کار (***ILO***) زنان سرپرست خانواده را شامل خانواده‌هایی می‌داند که مردان بالغ در آن به دلیل طلاق، جدایی، مهاجرت و ازدواج نکردن یا بیوه‌گی حضور ندارند و یا در صورت حضور، مانند مردان معتاد، بیکار، زندانی، متواری یا از کارافتاده و سهمی در درآمدهای خانواده ندارند (۲) که موجب تغییر ساختار خانواده شود و پدیده خانواده‌های تک والدی با سرپرستی زنان را درپی دارد (۳). آمار رسمی، مرکز آمار و اطلاعات راهبردی وزارت کار ایران نشان می‌دهد نسبت زنان سرپرست خانوار به کل سرپرست خانوار، از ۱۳،۱درصد در سال۹۷ به ۱۳،۷درصد در سال ۹۸ رسیده که رشدی ۷درصدی را تأیید می‌کند (۴). با توجه به بررسی آماری به دست آمده در کشور، ۷۷ درصد از زنان سرپرست خانوار تحت پوشش سازمان بهزیستی شهر تهران از سلامت روانی کاملی برخوردار نیستند (۵). خانواده مهم‌ترین بنیاد جامعه است که افراد در آن رشد کرده و وارد اجتماع می‌شوند (۶). در خانواده‌های تک والدی مادر نقش دو نفر را ایفا می‌کند. او علاوه بر انجام وظیفه مادری نقش مرد و نان‌آوری خانواده را نیز به عهده گرفته و عملا مسئولیت چند برابری را متحمل می‌شود. معمولا زنانی که شوهرشان را از دست می‌دهند روابط اجتماعی‌شان دچار اختلال می‌شود (۷). بیشترین دغدغه آنان، نگرش غلط جامعه نسبت به زن مطلقه و بیوه در نبود همسران‌شان و حضور در اجتماع (۸) و همچنین مشکلات فرزندان و تربیت آنهاست (۹). زنان سرپرست خانوار نسبت به مردان به دلیل داشتن چند نقش مختلف به طور همزمان مانند اداره امور خانه و تربیت و مراقبت از فرزندان به تنهایی و کار خارج از خانه با دستمزد کمتر با استرس، مسائل و مشکلات روانی بیشتری مواجه هستند در نتیجه در مقایسه با دیگر زنان از سطح زندگی روحی، روانی و اجتماعی پایین‌تری برخوردار می‌باشند (۳،۱۰). همچنین آن‌ها از دردهای جسمانی متعددی رنج می‌برند که منشا بیشتر آنها روحی و روانی است (۱۱). عدم حضور هریک از والدین در محیط خانواده، می‌تواند آثار سویی بر رشد طبیعی فرزندان داشته باشد (۱۲). بعبارتی انتقال سرپرستی از شوهر به زن باعث به وجود آمدن رشته‌ای از ناامنی‌ها و مشکلات می‌گردد (۱۳). اغلب کودکانی که در این خانواده‌ها هستند، به دلیل عدم حضور پدر، با چالش‌های متعددی در زندگی‌شان مواجه هستند (۱۴). براساس نتایج پژوهشی، اندازهٔ خطر افت و ترک تحصیلی بین فرزندان دختر خانواده‌های زن سرپرست فراوانی معناداری دارد. بین متغیرهای زمینه‌ای زنان سرپرست، متغیر افزایش سن مادر با اختلال در جامعه‌پذیری کودکان ارتباط مستقیم دارد (۱۵). با ورود زنان به بازار کار، آنها با نقش‌های متعددی روبرو می‌شوند که گاه ممکن است تعارض‌ها و تنش‌هایی برای آنها به وجود آورد و یا گاهی با بهره‌گیری از افزایش تعاملات اجتماعی اثرهای مثبتی برای آن‌ها داشته باشد (۱۶). نتایج مطالعه‌ای نشان داد گرچه رویکردهایی مانند تکثر نقش و فشار بار اضافی نقش باعث شده که این افراد از نظر اختلالات روانی مثل اضطراب، خستگی و افسردگی نسبت به زنانی که فقط به نقش‌های سنتی می‌پردازند در وضعیت نامطلوبی قرار گیرند ولی در مقابل با توجه به نظریه اعتلای نقش، اشتغال به عنوان نقشی جدید موجب عزت‌نفس، استقلال مالی و کسب حمایت اجتماعی گسترده‌تری شده است. همچنین با ایجاد حس مفید بودن، بخشی از نیازهای روانی آنان را تأمین کرده و موجب گسترش عاملیت، توانمندی و خودباوری این زنان شده است (۱۷). از آنجایی که مطالعات اندکی روی تجربیات زنان شاغل سرپرست خانوار انجام شده است و اطلاعات اندکی درباره جنبه‌های عاطفی و احساسی و تجارب درک شده زنان سرپرست خانوار وجود دارد که البته چنین اطلاعاتی بیشتر از طریق توصیف ماهیت تجربیات فردی زنان سرپرست خانوار در تحقیقات کیفی میسر خواهد شد و مطالعات کمی پاسخگوی سوالاتی از این دست نیستند. تحقیق پدیده‌شناسی، منجر به استخراج تجربیات انسانی و الگوهای علوم انسانی می‌گردد (۱۸). بنابراین ادراک واقعیت برای هر فرد به صورت منحصر به فرد و ذهنی است (۱۹). هدف از این مطالعه تبیین تجربیات زندگی زنان شاغل سرپرست خانوار بود. بی‌شک شناخت هرچه بهتر این تعارضات و تعاملاتی می‌تواند کمک شایانی به مدیران و برنامه‌ریزان حوزه سلامت زنان داشته باشد.

[Downloaded from ndhj.lums.ac.ir on 2026-11-26]

مواد و روش‌ها

مطالعه حاضر یک مطالعه کیفی از نوع پدیدارشناسی با رویکرد توصیفی کلایزی (***Colaizzi***) است (۲۰). نمونه‌گیری به صورت هدفمند بوده است. مشارکت‌کنندگان ۱۰نفر از زنان سرپرست خانواده تحت پوشش کمیته امداد حضرت امام (ره) شهرستان بهشهر در سال۱۳۹۸ (از اردیبهشت تا اسفند ماه) بودند. معیار ورود به مطالعه شامل مشارکت‌کنندگانی بود که حداقل یک سال سابقه سرپرستی خانواده را برعهده داشته و قادر به بیان تجربیات خود باشند. سعی شد حداکثر تنوع در انتخاب مشارکت کنندگان (سن، محل سکونت، میزان تحصیلات، مدت اشتغال، مدت سرپرستی خانوار، تعداد فرزند) رعایت شود. پژوهشگران پس از کسب مجوزهای قانونی و معرفی خود به شرکت‌کنندگانی که در محیط کار خود حضور داشتند، پس از توضیح اهداف مطالعه، اخذ رضایت آگاهانه و تأکید بر محرمانه نگه داشتن اطلاعات، با تعیین زمان و مکان مناسب، با مشارکت‌کنندگان مصاحبه به عمل آورد. به مشارکت‌کنندگان اطمینان داده شد انصراف وی از پژوهش تأثیری در امور کاری وی نخواهد داشت. مصاحبه‌ها توسط یکی از محققین که دانشجوی مقطع دکترای پرستاری بوده و آشنا به انجام مصاحبه کیفی و روش مطالعه پدیده‌شناسی بودند انجام شد. برای جمع‌آوری داده‌ها از مصاحبه‌های نیمه ساختار در محیطی آرام و خصوصی به دلخواه مشارکت‌کنندگان در مرکز کمیته امداد امام خمینی شهرستان بهشهر انجام شده استفاده شد. در ابتدا مصاحبه، سوالاتی برای آشنایی محقق با مشارکت‌کنندگان و ایجاد جوی آرام و بدون تنش همراه با صمیمیت پرسیده شد. بعد از آن مصاحبه به سمت سوالات اختصاصی‌تر که مربوط به اهداف پژوهش بود سوق داده شد. سوال‌ها شامل: یک زن تک‌سرپرست خانواده بودن برایتان چه معنایی دارد؟، مادر بودن برای شما به چه معناست؟ از تجربه‌تان/ داستان زندگی‌تان به عنوان مادر تک سر پرست خانواده / زندگی روزمره/ روابط‌تان با سایرین بگویید. از سوالات کاوشی مانند چرا، چطور، چگونه، مثال بزنید برای غنی‌شدن مصاحبه‌ها استفاده شد. همچنین در انتهای هر مصاحبه از شرکت‌کنندگان سوال شد: "آیا چیزی هست که مایلید به من بگویید تا درک بهتری از تجربه زنان تک‌سرپرست خانواده برایم فراهم نماید؟" تا بدین وسیله تجربیات ناگفته آنها نیز ثبت و ضبط گردید. انجام مصاحبه‌ها تا اشباع داده ادامه پیدا کرد. به این صورت که در زمان جمع‌آوری اطلاعات هیچ داده جدیدی اضافه نشد و پژوهشگر در زمان جمع‌آوری و تجدید داده‌های استخراج شده تنها به مواردی برخورد نمود که مطالب قبلی را تأیید و تصدیق نمود، در این مطالعه محقق با ۸ مصاحبه به اشباع داده‌ها رسید برای اطمینان از رسیدن به اشباع داده‌ها، دو مصاحبه نیز انجام داد. مصاحبه‌ها حداکثر ۴۸ ساعت بعد، کلمه به کلمه روی کاغذ پیاده شده و بارها خوانده شد و سپس تحلیل گردید. زمان هر مصاحبه به طور میانگین ۳۰ تا ۴۰ دقیقه به طول انجامید. زمان مصاحبه نیز بر اساس توافق با مشارکت‌کنندگان تعیین شد. در صورت خستگی مشارکت‌کننده و یا نیاز بیشتر به اطلاعات، با دو نفر از مشارکت‌کنندگان دو نوبت مصاحبه شد. برای مدیریت داده‌ها از نرم‌افزار وان نت ***One Note*** استفاده شد. برای تحلیل داده‌ها از روش کلایزی استفاده شد (۲۱). بدین صورت که در مرحله اول، هر مصاحبه بطور کامل استخراج شده و به همان صورت و به زبان مشارکت‌کنندگان نوشته شدند و به منظور هم‌احساس شدن با تجربیات آنها، کلیه متون بارها بازخوانی‌شد. در مرحله دوم، هر متن، مرور شده و عبارات مرتبط با موضوع مطالعه استخراج گردید. سپس در مرحله سوم، معنای هر عبارت مهم توضیح داده شد. محقق با مفهوم بخشیدن به هر یک از معانی استخراج شده، آنها را خلاصه نمود. در مرحله چهارم، معنی خلاصه به صورت طبقه‌هایی از درونمایه‌ها سازماندهی شدند. در مرحله پنجم، کدها به صورت دسته‌های مرتبط با هم در یک دسته کلی‌تر و سپس خوشه‌هایی قرار داده شدند که از این خوشه‌ها مفاهیم محوری بدست آمد. بر اساس مرحله ششم کلایزی، به بحث و توصیف یافته‌های پژوهش پرداخته شد و در مرحله پایانی نیز به ساختار پدیده مورد مطالعه پاسخ داده شد.

جهت صحت و استحکام مطالعه از معیارهای پیشنهادی گوبا و لینکلن استفاده شد (۲۲). پژوهشگر با تعامل طولانی مدت و کافی با شرکت‌کنندگان، جمع‌آوری اطلاعات معتبر و تأیید

[Downloaded from ndhj.lums.ac.ir on 2026-11-26]

اطلاعات توسط مشارکت‌کنندگان، تلاش بر افزودن اعتبار تحقیق (***Credibility***) نمود. تکرار گام به گام و جمع‌آوری و تحلیل داده‌ها، بهره‌گیری از بازبینی توسط افراد صاحب‌نظر، جهت افزایش اعتماد داده‌ها (***Dependability***) صورت گرفت. جهت افزایش معیار تأییدپذیری داده‌ها (***Confirmability***) از تأیید اساتید هیأت علمی پرستاری دانشگاه علوم پزشکی گلستان و نظرات تکمیلی آنان استفاده شد. قابلیت انتقال داده‌های (***Transferability***) مطالعه، با تلاش جهت ارائه توصیف غنی از گزارش تحقیق به منظور ارزیابی و قابلیت کاربرد تحقیق در سایر زمینه‌ها، صورت پذیرفت تا سایر محققین نیز بتوانند قادر به درک داده‌ها و دستیابی مشابه به آن باشند و همچنین نقل قول‌های مشارکت‌کنندگان به همان صورتی که گفته شده، ارائه شد.رضایت آگاهانه کتبی و شفاهی از شرکت‌کنندگان قبل از شروع مطالعه و قبل از ضبط مصاحبه (جهت اطمینان از شرکت داوطلبانه مشارکت‌کنندگان) گرفته شد. متن مصاحبه کاملا محرمانه و بدون نام بردن از افراد ثبت شد و امانت‌داری در متن مصاحبه رعایت گردید.

یافته ها

در این مطالعه شرکت‌کنندگان شامل۱۰زن شاغل سرپرست خانوار بودند میانگین سنی زنان شرکت‌کننده در این مطالعه ۴۲,۶۰±۵,۸۱ سال با محدوده ۳۶-۵۱ سال بوده است. میزان تحصیلات آنها از سوم راهنمایی تا لیسانس بود(جدول شماره ۱).

جدول(۱)- ویژگی‌های جمعیت شناختی مشارکت‌کنندگان در پژوهش (*n*=۱۰)

ردیف	سن	جنس	محل سکونت	میزان تحصیلات	مدت اشتغال	مدت سرپرستی	تعداد فرزند	دلیل سرپرستی	شغل	نوع حمایت
۱	۳۶	زن	شهر	کارشناسی	۵	۵	۳	طلاق	فروشنده لباس	*زنان و کودکان بی‌سرپرست*
۲	۳۸	زن	روستا	دیپلم	۲	۲	۲	طلاق	خیاطی در تولیدی	*زنان و کودکان بی‌سرپرست*
۳	۴۵	زن	شهر	کاردانی	۲	۲	۳	طلاق	فروشنده لوازم بهداشتی در بازار محلی	زنان و کودکان بی‌سرپرست
۴	۵۱	زن	شهر	کارشناسی	۱۰	۵	۴	فوت	فروشنده روسری	زنان و کودکان بی‌سرپرست
۵	۴۰	زن	شهر	دیپلم	۲	۳	۲	طلاق	شغل های متغیر به عنوان کارگر	زنان و کودکان بی‌سرپرست
۶	۴۸	زن	شهر	کارشناسی	۸	۹	۴	فوت	فروش ترشیجات و سرکه خانگی	زنان و کودکان بی‌سرپرست
۷	۳۳	زن	شهر	دیپلم	۶	۶	۳	همسر از کار افتاده	نظافت در منزل	از کار افتادگان و معلولان
۸	۴۲	زن	شهر	دیپلم	۱	۱	۱	طلاق	چرم دوزی	زنان و کودکان بی‌سرپرست
۹	۴۵	زن	روستا	دیپلم	۲۰	۲۱	۳	فوت	فروش میوه و سبزیجات در خیابان	زنان و کودکان بی‌سرپرست
۱۰	۴۸	زن	روستا	زیردیپلم	۴	۴	۲	فوت	نظافت در منزل	زنان و کودکان بی‌سرپرست

[Downloaded from ndhj.lums.ac.ir on 2026-11-26]

از تحلیل مصاحبه‌ها ۳۸۵ کد استخراج شد. با کدبندی و طبقه‌بندی مجدد ۲ مفهوم اصلی شامل تغییر روال عادی زندگی با مفاهیم فرعی تغییر نقش و احساس والد و پیشرفت در زندگی و مفهوم اصلی مشکلات اداره زندگی شامل مفاهیم فرعی نگرانی و تنهایی بدست آمد. نتایج این تجزیه و تحلیل به ترتیب (براساس کدهای اصلی) گزارش شده است (جدول شماره ۲).

جدول(۲)- طبقات استخراج شده از تجربیات مشارکت‌کنندگان

مفاهیم اصلی	مفاهیم فرعی	کد ها
تغییر روال عادی زندگی	تغییر نقش و احساس والد	۱.کمبود وقت برای فرزندان
		۲. اجرایی نبودن نقش های پدر و مادر با یک سرپرست
		۳. ناتوانی در کنترل فرزند
		۴.تغییر نقش‌ها
		۵. افزایش بار مسئولیت
	پیشرفت در زندگی	۱. تلاش کردن
		۲. به خود متکی بودن
		۳. استقلال مالی
		۴. تأمین هزینه اقتصادی
مشکلات اداره زندگی	تنهایی	۱.کم شدن روابط با دیگران
		۲.مشکل در برقراری ارتباط
		۳.کمبود وقت برای برقراری روابط
		۴. تناقض در ارتباطات
	نگرانی از آینده فرزندان	۱. هدر رفتن زندگی با کارکردن
		۲. ترس از آینده
		۳. ترس و نگرانی ناشی از عاقبت فرزندان
		۴.تغییر خلق و خو

۱- تغییر روال عادی زندگی

این مفهوم اصلی از دو مفهوم فرعی "تغییر نقش و احساس والد" و "پیشرفت در زندگی" تشکیل شده است.

۱-۱ تغییر نقش و احساس والد:

اولین مفهوم فرعی که در مطالعه حاضر در طی تحلیل مقایسه مستمر داده‌ها بیشتر تبیین و توسعه پیدا کرد " تغییر نقش و احساس والد" بود. این روند بیانگر آن بود که زنان اعلام داشتند درصورت نبود یا کمرنگ شدن پدر درخانواده روال عادی زندگی بهم می‌ریزد و نگه داشتن کانون خانواده مثل قبل، بسیار سخت است. همچنین به بهای ایفای نقش سرپرست خانواده از نقش مادر بودن فاصله گرفتند و سختی‌های زیادی در طی سالیان تک‌سرپرستی تحمل کردند تا بنیان خانواده از هم فرونپاشد.

مشارکت‌کننده شماره ۳ در همین زمینه می‌گوید: *" پا گذاشتم تو کفش مرد دارم جای یک مرد کار می‌کنم واقعا نمی‌تونم مادر*

[Downloaded from ndhj.lums.ac.ir on 2026-11-26]

باشم. فعلا پدرم بیشتر، زنای دیگه تو این فکرن که اونجای خونه گل بزارن و فلان دکور رو بگیرن، من تو فکر اینم یکم پول جمع کنم یه مغازه بگیرم از این بدبختی در بیام، یا از فلان جا وام بگیرم یا قرضی بگیرم خونه رو ردیف کنم بعد این همه سال. ما مجبوریم اون مسئولیت‌هایی که رو دوش مرداست رو انجام بدیم اصلا فکرمون راجع به زَن کار نمی‌کنه."

آنها به دلیل تغییر کردن نقش خود، به عوض شدن عواطف و احساسات زنانه خود تأکید بسیارداشتند. بعبارتی مجبور بودند عدم حضور پدر را جبران نمایند و نقش مادر بودن خود را نادیده گرفتند. همچنین بیان داشتند در صورت تک سرپرست بودن، لطافت مادرانه از بین می‌رود و جای خود را به نقش پدر و تامین امکانات برای فرزندان می‌دهد.

مشارکت‌کننده شماره ۱در همین زمینه می‌گوید: *"خود جامعه باعث میشه اخلاق زن هایی که میخوان تو جامعه موفق باشن عوض میشه خیلی زن ها دوس ندارن خیلی‌ها میخوان لطافت .... و داشته باشن ".*

این طبقه از یافته‌ها نشاندهنده تغییراتی از جمله وقت کم گذاشتن برای فرزندان، اجرایی نبودن نقش‌های پدر و مادر با یک سرپرست، ناتوانی در کنترل فرزند بود.

مشارکت‌کننده شماره ۱ در همین زمینه می‌گوید: *"من واقعا دیگه نمی‌رسم وقتی برای بازی یا صحبت برای فرزندانم داشته باشم اکثر مواقع زمانی هم میام خونه علیرغم خستگی سریع شروع به کارهای خونه می کنم".*

۲-۱ پیشرفت در زندگی :

دومین مفهوم فرعی تحت عنوان " پیشرفت در زندگی" بود.

شرکت‌کنندگان اظهار داشتند با وجود تمام سختی‌هایی که در دوران تک‌سرپرستی متحمل شده‌اند، پیشرفت‌های زیادی از نظر مالی و آرامش درونی کسب کرده‌اند. آنان بیان داشتند که در صورت حضور هر دو والد و ایفای نقش موثر آن‌ها، این پیشرفت بیشتر نمایان می‌شد.

مشارکت‌کننده شماره ۹ در همین زمینه می‌گوید:*"وقتی سر پرست خانواده شدم کاری نداشتم سرمایه نداشتم با اندک پولی داشتم تو بانک گذاشتم و شغلی به پا کردم. آتلیه زدم و تو خودم انرژی بیشتر می‌دیدم چرم‌دوزی زدم و چند تا نیرو گرفتم چون خودم نمی‌رسیدم همه اینا رو انجام بدم و به هنرجوهای خودم کارو می‌سپردم و این بود که زندگیم خدارو شکر خوب شد"*

مشارکت‌کننده شماره ۵ در همین زمینه می‌گوید:" پیشرفتی *که کردم واقعا راضیم از پیشرفتم و به همه زن‌ها توصیه می‌کنم اگر بخوان خودشون کار کنن میتونن این نیست که بگن کار نیست خیلی از زن‌های ما عادت کردن به راحتی پول در آرن نمی‌خوان سختی بکشن."*

۲- مشکلات اداره زندگی:

دومین مفهوم اصلی مشکلات اداره زندگی است که از مفهوم فرعی نگرانی و تنهایی بدست آمده بود.

۲-۱ نگرانی از آینده فرزندان

طبقه "نگرانی از آینده فرزندان" از زیر طبقاتی مانند "هدر رفتن زندگی با کار"،" ترس از آینده"،"ترس و نگرانی ناشی از عاقبت فرزندان"،" تغییر خلق و خو" استخراج شد.

مشارکت‌کننده شماره ۶ در همین زمینه می‌گوید: یکی از مشارکت‌کنندگان در خصوص تجربه خود در زمینه نگرانی می‌گوید" الان بچه‌های من باید تو خونه تنها باشن معلوم نیست چه خطراتی اونها رو تهدید می‌کنه، کم کاری پیش میاد، تربیت درست نمیشه".

مشارکت‌کننده شماره ۲ در همین زمینه می‌گوید: *"کارم هم سخته وقتی شب میرم خونه آنقدر خستم که اصلا نمی‌تونم به کار بچه‌ها برسم. دختر من الان دانشجو هست و پسری که بخواد ازش سوءاستفاده کنه میگه این دختره که کس و کار نداره راحت میشه ازش سوء استفاده کرد و از تنهاییش استفاده کرد. منم که اومدم اینجا نیستم که بچه‌ها رو کنترلشون کنم".*

شرکت‌کنندگان در این مطالعه بیان داشتند که زنان تک‌سرپرست به دلیل وجود مسئولیت‌های سنگین، مشکلات زیادی دارند و تمام وقت خود را صرف برطرف کردن مشکلات زندگی می‌کنند. آنها به دلیل کمرنگ بودن نقش مادری، نگرانی‌های زیادی درخصوص ضررها و آسیب‌هایی که می‌تواند فرزندان را به خطر اندازد و نیز کمبودهای مالی و امکانات احساس می‌کردند.

مشارکت‌کننده شماره ۸ در همین زمینه می‌گوید: *"تک‌سرپرست بودن باعث شده روابطم با دیگران کم رنگ بشه، چون مسئولیت‌ها که زیاد بشه وقت نمی‌کنی به رابطه‌ها برسی. وقتی که از سرکار برمی‌گردم خونه رو مرتب می‌کنم و بعد از*

[Downloaded from ndhj.lums.ac.ir on 2026-11-26]

خستگی بیهوش میشم. با خانواده‌ام سرد شده‌ام و حوصله کسی را ندارم. این زندگی باعث شده اعصابم ضعیف بشه و حوصله کسی رو ندارم. شلوغی رو دوست ندارم".

مشارکت‌کننده شماره ۱۰در همین زمینه می‌گوید: "از جامعه می‌ترسم از خطراتی که می‌تونه براش پیش بیاد. از خطراتی که تهدیدش می‌کنه. از مردا می‌ترسم چون همه مردا یه جاشون می‌لنگه".

۲-۲ تنهایی

در طبقه تنهایی زیر طبقاتی مانند"کم شدن روابط با دیگران"، "مشکل در برقراری ارتباط"، "کمبود وقت برای برقراری ارتباط" و "تناقض در ارتباطات" قرار گرفتند.

در این مطالعه زنان تک‌سرپرست بیان داشتند که خرج زندگی و مشکلات همراه آن را به تنهایی و بدون کمک اطرافیان و جامعه حل می‌کنند. از سویی نگاه بد افراد جامعه به زنان تک‌سرپرست خانواده، موضوع بسیار ناراحت‌کننده و آزار دهنده‌ای برای بسیاری از آنان بود و برای جلوگیری از رفتار نادرست افراد جامعه، تک‌سرپرست بودن خود را پنهان می‌کردند که به نوعی این مسأله منجر به کاهش روابط خانوادگی و بین فردی آنان در محیط جامعه می‌گردید.

مشارکت‌کننده شماره۴ در همین زمینه می‌گوید: *"اگه بخوام واقعیتش رو بگم جامعه خیلی بد به زن‌های تک‌سرپرست نگاه می‌کنه مخصوصا بدونن زن مطلقه شده دیگه خیلی بدتر شده. به نظر من خانم‌های تک‌سرپرست به خودشون قبولوندن جایگاهی در جامعه ندارن".*

بحث

این مطالعه با هدف تبیین تجربیات زندگی زنان شاغل سرپرست خانوار انجام شد از تحلیل داده‌ها دو مفهوم اصلی "تغییر روال عادی زندگی"، "مشکلات اداره زندگی" و چهار مفهوم فرعی شامل "تغییر نقش و احساس والد، پیشرفت در زندگی، تنهایی، نگرانی از آینده فرزندان" استخراج گردید.

مفاهیم اصلی این مطالعه "تغییر روال عادی زندگی" بود که برگرفته از مفاهیم فرعی "تغییر نقش و احساس والد" و "پیشرفت در زندگی" می‌باشد. حسینی و همکاران به این موضوع اشاره کردند که مادر در این خانواده تلاش می‌کند تا با ایفای نقش فعال‌تر و انجام تکالیف نقش والد غایب، در انسجام خانواده و بهبود ارتباط خود با فرزندان بکوشد (۵). این مسأله موید مفهوم فرعی "پیشرفت در زندگی" در این مطالعه می‌باشد. همچنین در مطالعه بلداجی و همکاران به این موضوع اشاره شد که در سال‌های اخیر شاهد روند رو به رشد زنانی هستیم که به تنهایی مسئولیت زندگی خود را به دوش می‌کشند و به عنوان زنان سرپرست خانواده در جامعه معرفی می‌شوند (۲۳). نتایج مطالعه احمدنیا و همکاران نشان می‌دهد که هر چند قرار گرفتن در جایگاه مسئول خانواده، سطح استرس و اضطرابی را که این زنان در زندگی تجربه می‌کنند، افزایش داده است اما از سوی دیگر، با پذیرش مسئولیت زندگی، اعتماد به نفس آنها نیز روندی صعودی پیدا کرده است. این زنان، به مرور، نگاه مثبت‌تری به خود و توانایی‌هایشان پیدا کرده‌اند (۲۴).

" مشکلات اداره زندگی " یکی دیگر از مفاهیم اصلی در این مطالعه بود که برگرفته ازمفاهیم فرعی "تنهایی" و "نگرانی از آینده فرزندان" می‌باشد. این دسته از زنان سرپرست خانوار مشکلات بیشتری به لحاظ احساس تنهایی، افسردگی و بیماری‌های جسمی و روحی دارند واحساس می‌کنند زندگیشان به بطالت می‌گذرد (۲۵). عباس‌زاده و همکاران بیان کردند که این گروه از زنان اغلب با عوامل آسیب‌زایی همچون، ضعف دسترسی به فرصت‌های شغلی و نداشتن درآمد مستمر مواجه می‌باشند (۲۶).

از مفاهیم اصلی این مطالعه می‌توان به نوع دیدگاه جامعه نسبت به زنان سرپرست خانوار اشاره کرد که ناشی از مسأله تنهایی و کاهش روابط اجتماعی و بین فردی این افراد است، اشاره نمود. در مطالعه شهریار و همکاران، زنان سرپرست خانوار بدلیل سرپرستی فرزندان که به تنهایی و گاه به سختی انجام می‌شود، تنهایی، افسردگی و ناامیدی را تجربه می‌کنند (۲۷). پیامدهای فرهنگی سبب شده است که این زنان از روابط اجتماعی و ارتباط با دیگران پرهیز کنند. بعبارتی با توجه به مسئولیت چندگانه آنان در زندگی، وقتی برای برقراری ارتباط با دیگران برایشان باقی نمی‌ماند. از سویی بدلیل ناکافی بودن حمایت‌های مالی و معنوی دولت این امر سبب شده تا زنان در بخش خصوصی و غیررسمی از جمله انجمن های خیریه امرار معاش کنند و

[Downloaded from ndhj.lums.ac.ir on 2026-11-26]

علیرغم تلاش‌های فراوان همچنان مشکلات معیشتی در این خانواده‌ها مشاهده می‌شود. از سویی نگاه‌ها و گرایش‌های نادرست بعضی از مردان طماع برای بهره‌مندی موقت و آسان از این زنان این مسأله را تشدید نموده است زنان سرپرست خانوار مجبورند زیر نگاه‌های سنگین دیگران به زندگی خود ادامه دهند و با انواع تهدیدها و ناامنی‌ها مقابله کنند (۱۹).

مصاحبه‌ها حاکی از آن بود که رسیدگی و مراقبت از فرزندان و توجه و به مسائل آموزشی و تربیتی فرزند از جمله مواردی است که این زنان حتی در موقعیت‌های دشوار روحی و احساسی خود، باز هم از این مسئولیت شانه خالی نمی‌کنند. اما با اینحال رسیدگی و مراقبت و توجه به فرزندان وقتی با مشکلات مالی، عدم وقت کافی، خستگی ناشی از کار بیرون همراه باشد دشوار و پر زحمت جلوه می‌کند. نگرانی‌های این زنان درمورد وضعیت تحصیل، ازدواج و آینده فرزندانشان بسیار زیاد است همچنین مشکلات مالی، عدم وقت کافی و خستگی ناشی از کار به درگیری‌های این زنان با فرزندانشان دامن می‌زند اما با اینحال این زنان تمام تلاش خود را می‌کنند تا تعادل را در زندگی خود و فرزندانشان را حفظ کنند و در اثر اشتغال به کار بیرون از خانه تغییرات کمتری در رفتار با فرزندانشان ایجاد شود. در مطالعه شفیعی‌آبادی و همکاران نیز به احساس نگرانی در مورد تعدد نقش در خانواده اشاره شده است (۲۸).

با توجه به نتایج این مطالعه، زنان سرپرست خانوار سختی‌های زیادی در طی دوران زندگی خود تجربه کرده‌اند و در مواجه با تمام این مشکلات به تنهایی برای حل آن‌ها اقدام نموده‌اند و با وجود تمام سختی‌های راه، موفقیت‌هایی کسب کرده‌اند که به آن موفقیت‌ها افتخار می‌کنند همچنین زندگی کنونی خود را بهتر از گذشته ارزیابی می‌کنند. تمام مشارکت‌کنندگان از این که نمی‌توانند برای فرزندان خود نقش مادر را ایفا کنند در رنج و عذاب هستند زیرا به ناچار تمام وقت خود را صرف امرار معاش و تامین مالی خانواده خود می‌کنند همچنین آن‌ها از تغییر احساسات و عواطف مادرانه خود و تبدیل شدن به خشونت پدرانه حرف می‌زدند و این موضوع را برای خود آزار دهنده می‌پندارند همچنین نبود پدر و مشغول بودن مادر به کار، فرزندان آن‌ها را به سمت خطر و آسیب‌های اجتماعی سوق می‌دهد. اگر سازمان‌ها، حمایت‌های مالی برای این زنان داشته باشند، آن‌ها می‌توانند وقت بیشتری را صرف تربیت فرزندانشان کنند و از نقش مادر بودن خود فاصله نگیرند تا خطرهای احتمالی، فرزندان آن‌ها را تهدید نکند. همچنین برگزاری کلاس‌های مهارت‌های زندگی و فرزندپروری برای این خانم‌ها بسیار مفید بوده تا تک‌سرپرست بودن و نبود یک والد، بر روی فرزندان آن‌ها اثرات سوء نداشته باشد.

از محدودیت‌های مطالعه می‌توان به تفاوت‌های فرهنگی جمعیت نمونه اشاره کرد. برخی از مصاحبه شونده‌ها با تمرکز بر مسائل و مشکلات مادی از پرداختن به موارد دیگر خودداری نمودند.

نتیجه‌گیری

بی‌شک نتایج این مطالعه از یک سو می‌تواند اطلاعات پایه‌ای لازم را برای مطالعات دیگر در آینده فراهم نماید و نیز می‌تواند بر نوع نگرش و تفکر تصمیم‌گیران و مدیران حوزه زنان در بهبود و ارتقاء سطح معیشت این گروه از افراد آسیب‌پذیر جامعه، ایجاد فرهنگ سازی لازم در جامعه و حمایت‌های اجتماعی لازم از این گروه از زنان تأثیرگذار باشد.

تشکر و قدردانی

این طرح مصوب کمیته تحقیقات دانشجویی با کد ثبت۱۰و کد اخلاق ***IR.MAZUMS.REC.1397.S.10*** می‌باشد. پژوهشگران بر خود لازم می‌دانند از تمامی زنانی که تجربیات خود را صادقانه در اختیار محققین قرار دادند، کمیته تحقیقات دانشجویی و نیز سازمان‌هایی که در این مسیر ما را همراهی کردند تشکر و قدردانی نمایند.

[Downloaded from ndhj.lums.ac.ir on 2026-11-26]

Reference

1. Rimaz SH, Dastoorpoor M, Vesali Azar Shorbeyani S, Saiepour N, Beigi Z, Nedjat S. The survey of quality of life and its related factors in female-headed households supported by Tehran Municipality, Ddistrict 9. Iranian Journal of Epidemiology. 2014 ;10(2):48-55.

2.Zarhani SH. Empowerment of Female headed households Case Study:"Sedighin" charity institution in Iran. Empowerment -Female-Headed-Household Of Epidemiology. 2011;10(2):48-55.

3.Basharpour S, Mohamadi N, asadi shishegaran S. The effectiveness of the education stress reductiontraining program based on mindfulness on the quality of life of female heads of households. Journal Of Women And Society. 2017;8(2):1-14.

4.https://newspaper.hamshahrionline.ir/id/129789/

5.Hosseini A, Forouzan S, Amirfaryar M. Study of the mental health of women-headedhouseholds under protection of well being organization of Tehran. Journal of Social Service Research. 2008;3:117-37.

6.khodayarifard M, Zandi S, hajhosseini M, Gobari-Bonab B. Efficacy of Positive Thinking Training on the family process and subject wellbeing of female head of household. Journal of Family Research. 2017;12(4):593-612.

7.Hosseini A, Taghipour M. The effect of social support on social health of women headed by households, journal of society. journal of society. 2010 (7):140-59.

8.Solhi M, Shabani Hamedan M, SalehiM. Relationship between Quality of Life of Women-Headed Households and Some Related Factors in Iran. Global Journal of Health Science. 2016;8(10):250-6.

9.Asanlo bakhtiary S, Aghabakhshi H, Kafash M. The quality of life of female headed households(casestudy of women covered by the municipality of district 12 in Tehran in 2014). Journal Of Society. 2015;7(8):79-96.

10.Rezapour mirsaleh Y, Falah M, Saberi M. The Effectiveness of intervention based on life skills training on quality of life in female heads of households. journal of women and society 2016;7(1):81-100.

11.Torabi Momen E, Raheb G, Ali Pour F, Biglarian A. The Effectiveness of Group Social Work Intervention With Developmental Approach on Psychosocial Empowerment of Female-Headed Households.Journal of rehabilitation. 2017; 18 (3) :242-53.

URL: http://rehabilitationj.uswr.ac.ir/article-1-1996-en.html .

12.Neysi A, Sepahvandi M, Shokrkon H, Sehni Yeilagh M. Comparison between mental health, social-personal adaptation with first grade high school students' educational performance of the students with and without mother in Ahvaz. Journal of Learning and psychology. 2006;3:135-62.

13.Parvandi A, Moradi A, Arefi M. Prediction of Mental Health Based on Hope and Religious Orientation among Female Householders. Religion and Health. 2017;5(2):13-22.

14.Dargahi S, Ayani N, ShakermiM, Mohebi H, Ghasemzade A. Relationship between parents' supervision and affiliation with criminal peers in high-risk behaviors of single parents. Quarterly Journal of Nursing Bodybuilding, Faculty of Medical Sciences, Islamic Azad University, Sari Branch. 2014;2(4):1-8.

15. Sarookhani B, Khademian T, Naderi FZ. Women's headed households and bottlenecks of children socialization (A case study: The householder women supported by Tehran Municipality Organization).Social studies and research in Iran. 2015 Jan 21;3(4):539-58.

16.Torkaman S, Fathi S. Analysis of the effects of women's employment on their quality of life(A case study of women working in the Ministry of Science, Research and Technology). Journal of Women and Society. 2016;7(4):13-25.

17. Rafatjah M, Rabiei M. Studying the experience of playing the role of thejob - family by female-headed households with anemphasis on subway female peddlers. Social Welfare Quarterly.2016;16(62): 143-86.

18. NieswiadomyRM, BaileyC. Foundations ofNursing Research.7th ed. UnitedStates of America: Pearson Education, Inc; 2018.

19. Squires, Allison & Dorsen, Caroline. Qualitative Research in Nursing and Health Professions Regulation. Journal of Nursing Regulation.2018; 9: 15-26.

20. Emami Sigarudi A, Dehghan Nairi N, Rahnavard Z, Nouri Saeed A.Qualitative research methodology: phenomenology.Comprehensive Nursing and Midwifery (Journal Of Holistic Nursing And Midwifery).1391 [cited 2021November21]; 22 (2 (successive 68)): 56-63.Available from: https://www.sid.ir/fa/journal/ViewPaper.aspx?id=186589

21. Strrubert HJ, Carpenter DR. Qualitative Research in Nursing. Edition F, editor. Philadelpia: Lippincott Williams & Wilkins; 2010.

22. Polit DF, Hungler BP. Essentials of Nursing Research: appraising evidence for nursing practice. 7, editor. London: Philadelphia; 2010.

[Downloaded from ndhj.lums.ac.ir on 2026-11-26]

23. Boldaji L, Foruzan A, rafiey H. quality of life of head-of-household women: a comparison between those suppurted by welfare organization and those with service job. social welfare. 2011;11(40):9-28.
24. Amadnia s, Ghlibaf kamel A. Women-Headed Households in Tehran: A Qualitative Study of Their Experiences, Challenges and Capacities. Social Welfare. 2017;17(65):103-36.
25. Abbaszade M, Bodaghi A, Aghdasi alamdari F. Empowering female headed housholds with emphasis on native solutions. Proceedings of the national symposium on empowerment. 2014:140-63.
26. Shahriari E, Saadatmand Z, Fatehi Zade Ms, Mohagheghian S. An Investigation Of Training Needs Of Household Women In Isfahan Cultural Education Sociology Of Women. Journal Of Woman And Society. 2013;4(3):29-45.
27. Azam Azadeh M, Tafteh M. The Obstacles of Happiness from the View of Female-headed Households of Tehran. Journal of Woman and Family Studies.2016; 3(2): 33-60. doi: 10.22051/jwfs.2016.2207
28. Shafi-Abadi A. Comprehension Effectiveness of reality and feministic therapy group counseling on identificationof women-headed households. J Dev & polit. 2011;4(9):97-113.

[Downloaded from ndhj.lums.ac.ir on 2026-11-26]

Explaining the experiences of female-headed households covered by the Imam Khomeini Relief Committee: the results of a phenomenological study

Vejdani H[1], Araghian Mojarad Fereshteh[2], Mohsenipouya H[3], Azadi F[4], Fazeli S[5], Sanagoo A[6], Jouybari L[7]

1. BSC, Student Research Committee, School Of Nursing, Mazandaran University Of Medical Sciences, Behshahr, Iran.
2. Assistant Professor, School Of Nursing, Mazandaran University Of Medical Sciences, Mazandaran, Iran
3. Assistant Professor, Health Education And Promotion, School Of Nursing, Mazandaran University Of Medical Sciences, Behshahr, Iran.
4. BSC, Student Research Committee, School Of Nursing, Mazandaran University Of Medical Sciences, Behshahr, Iran.
5. BSC, Student Research Committee, School Of Nursing, Mazandaran University Of Medical Sciences, Behshahr, Iran.
6. Associate Professor, School Of Nursing & Midwifery, Gorgan University Of Medical Sciences, Gorgan, Iran.
7. Associate Professor, School Of Nursing & Midwifery, Gorgan University Of Medical Sciences, Gorgan, Iran.

Abstract

Background and Objectives: Female-headed households are one of the socially vulnerable groups, since the number of them is on the rise due to the increase in divorce rates, social crimes, or addiction rate. Considering the vulnerability of this group, the purpose of this study is to explain the experiences of female-headed households covered by the Imam Khomeini Relief Committee.

Materials and Methods: The present study is a qualitative phenomenological study that was conducted in 2018. To collect data, semi-structured interviews with open-ended questions about life experience as a female-headed household were used. The interviews were conducted in the Imam Khomeini Relief Committee center in Behshahr city. Sampling continued purposefully until data saturation was achieved with the participation of 10 participants. The recorded interview was written down line by line and analyzed according to Collaizi's descriptive phenomenological approach. Lincoln and Guba's criteria were used for the strength of the study.

Results: From the data analysis, two main concepts including "change in normal life routine" and "problems of managing life" and four sub-concepts including "change in the role and feeling of the parent", "life progress"," loneliness" and "worried about the future of children " were extracted.

Conclusion: Considering the mentioned results and especially the basic concerns of female-headed household, it is necessary to take steps toward redusing problems of this group of society through the psycho-social empowerment programs.

Keywords: Women, family, household, female-headed, qualitative research

[Downloaded from ndhj.lums.ac.ir on 2026-11-26]